



۱۴

استحمام قواعدی دارد که اگر رعایت نکنید سلامت‌تان به خطر می‌افتد

صحت آبگرم!



سوختن در آتش بی‌خبری

۱۶

گفت‌وگو با بانوی کارآفرینی که کسب‌وکار نوپایی را

با همکاری ۳ خانم دیگر راه‌اندازی کرده است

کارآفرینی به سبک زنان



۱۵

زندگی

یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۹۷

۱۳
جامعهحق با
شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۲

#پمپ-بنزین

کاویان از اصفهان:

چرا در پمپ‌های بنزین، سوختگیری خودروها، کماکان توسط راننده‌ها انجام می‌شود و اپراتورها فقط وجه بنزین را دریافت می‌کنند؟ لطفا پیگیری کنید.

#اتوبوس-تندرو

مشکینی از تهران:

به‌علت فاصله زمانی زیاد بین حرکت اتوبوس‌های تندروی خط ۳، به‌ویژه در صبح‌ها، این اتوبوس‌ها بسیار شلوغ شده و به علت تجمع، باعث افزایش شیوع بیماری کرونا می‌شود.

تاکسی-تجربش

شهروندی از تهران:

از رانندگان تاکسی خط پارک‌وی و تجربش بابت رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و انجام تمامی قوانین و دستورالعمل‌های بهداشتی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

#سهام-عدالت

فرجی از قم:

از ۱۲ خرداد که ۳۰ درصد سهام عدالت خود را برای فروش گذاشته‌ام تاکنون هیچ مبلغی به حسابم واریز نشده است. چرا؟ این درحالی است که دولت اعلام کرده‌است که حداقل یک طرف یک هفته مبلغ مورد نظر به حساب شهروندان واریز می‌شود.

#بورس-کارگزاری

پیناز تهران:

قطعی‌های مکرر هسته مرکزی بورس و کارگزاری، خسارات فراوانی را به سرمایه‌گذاران وارد کرده‌است. چه کسی پاسخگوی این ضرر و زیان است؟

جوابیه

در پی درج پیامی در روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۰۸ با عنوان «انشعاب زدی» روابط‌عمومی شهرداری منطقه ۴ شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: موضوع سد معبر و وانت بارها یکی از مشکلاتی است که شهرداری تهران همواره با آن روبه‌روست و به دلیل نبود ابزارهای لازم جهت جمع‌آوری کامل آنها، این معضل کماکان پابرجاست. با این حال ساماندهی و جمع‌آوری مستمر این‌گونه مزاحمت‌های شغلی در اولویت شهرداری منطقه ۴ قرار گرفته و به‌صورت مستمر اجرا می‌شود و در صورتی که شهروند محترم محل خاصی را مدنظر دارند اعلام نمایند تا اقدامات لازم در این خصوص صورت گیرد.



لیلا شوقی

جامعه

پس‌رک شاید ۱۵ سال هم نداشته باشد، ریزشش است، دستانش اما قوی و آفتاب‌سوخته‌اند. جوش‌های دوره نوجوانی، در لایه‌لای چین و چروک‌های صورتش گم شده‌اند. مهر «کارگر فصلی» روی پیشانی‌اش خورده است. شغلی که مثل باتلاق می‌ماند، پایش را که گذاشته درونش، ذره ذره، آرام و نامحسوس، این شغل او را کشیده است به سمت خود. به خود که بیاید، مانند همکارانش می‌شود، پیرتر از سن خود، با موهایی که همه سفید شده‌اند و دست‌پایی که کج و کوله شده و آسیب‌دیده‌اند. آینده‌اش را هر روز جلوی چشمش می‌بیند، در دوییدن به طرف ماشینی، برای این‌که کاری را زودتر به چنگ بیاورد، جدال بر سر لقمه نانی، در سن

نوجوانی است، سنی که تقریباً همه کارگران از آن شروع کرده‌اند، در اوج، اما این جوانان زود فرسوده می‌شوند. این داستان تکراری همه کارگران فصلی است. کسانی که اغلب‌شان از شهرهای دور و نزدیک، پایشان به پایتخت باز شده است و به امید ساختن یک زندگی رویایی برای خود، ترک دیار کرده، اما در باتلاق گیر افتاده‌اند. باتلاقی که نه برایشان نان دارد و نه آب؛ نه استراحت، نه بیمه و نه پس‌انداز آخر سال. شغلی که میزان درآمد آن به وضعیت آب‌وهوایی، به شیوع بیماری، به آلودگی هوا و حتی به جیب مردم بستگی دارد. کارگران فصلی ایرانی، این روزها، از آتجا رانده و از اینجا مانده، شده‌اند به خاطر ویروس کرونا کار برایشان نیست و در محاصره کارگران اتباع بیگانه، کاری به آنها نمی‌رسد. پای حرف‌شان که بنشینید رنج‌شان، مثنوی هفتاد من کاغذ است.

می‌شوند و می‌روند و مرد گرد، دست از پا دراز‌تر در سایه درخت به انتظار مشتری می‌نشیند.

۶ ماه کار می‌کنیم، یک سال می‌خوریم

می‌گوید ۳۴ بهار از زندگی‌اش می‌گذرد، اما خیلی پیرتر از اینها به نظر می‌رسد. دندان‌هایش همه زرد و خرابند. پیشانی و گونه‌اش پر از چین و چروک است و موهایش یکی در میان سفید و مشکی است. ۱۹ سال است که به عنوان کارگر فصلی کار می‌کند. می‌گوید روزهای تابستان و بهار کار می‌کند و پول جمع می‌کند تا در روزهای سرد پاییز و زمستان روزگار بگذراند؛ اتفاقی که البته امسال برای او نخواهد افتاد. او می‌گوید: «سه ماه از سال می‌گذرد و امسال هیچ پولی برای پاییز و زمستان جمع نکرده‌ام.» قرض

هزینه کرونا، هزینه زندگی



کسب و کارشان به هم ریخته است، این را نه ما، که خودشان می‌گویند. ویروس کرونا شاید کمر به قتل بسیاری از کسب و کارها بسته باشد، اما این کارگران هستند که بیش از همه، زیر بار سنگین این ویروس تاج‌دار، قدرت نفس کشیدن هم ندارند. شاید به ظاهر یکی از مشکلاتی که ویروس برایشان داشته، کاهش سفارش کار باشد یا کسب‌شان از رونق افتاده است. اما این بیماری تأثیراتی وسیع‌تر بر آنها گذاشته است. یکی از کارگران، می‌گوید: «سخت است، به خانه کسی بروی که نمی‌دانی او خود ناقل است یا نه» و توضیح می‌دهد که یک از همکارانش، برای کار وارد خانه‌ای شد و بعد، سرفه، تب و بدن درد سراغش آمد و حالا ۲۰ روز است در بستر بیماری، بدون بیمه افتاده است. کارگر میان‌سالی که ۱۶ سال سابقه کار دارد، می‌گوید: «صاحب‌کاری که من را به خدمت می‌گیرد، ماسک، دستکش و مواد ضدعفونی‌کننده را اختیار نمی‌گذارد، من خودم همه اینها را تامین می‌کنم.» کار کردن با ماسک برای او سخت است، اما از ترس جاننش، چاره دیگری ندارد. این کارگر توضیح می‌دهد که با ورود کرونا، کمبود کار از یک طرف و تامین ماسک، مواد ضدعفونی‌کننده و دستکش هم به هزینه‌ها اضافه شده است.

گرفتن شاید تنها راه برای زنده ماندن باشد. نه این که به دنبال کاری هم نگشته باشد، تمام ۱۹ سال را به دنبال کار بوده و حتی در فصل‌هایی از سال به عنوان کارگر به استخدام شرکت‌ها درآمده است، اما از این روند کار کردن راضی نیست. می‌گوید شرکت‌ها کم‌بسیون زیادی دریافت می‌کنند و حق الزحمه او را به بغما می‌برند، همین شده که دوست ندارد برای شرکت‌ها کار کند. در روزهایی که شرایط اقتصادی همه خراب است، کاری برای او هم وجود ندارد. او کارگر باربر است و در شرایطی که بسیاری از مستاجران قرارداد خانه استیجاری‌شان را تمدید کرده‌اند، نیازی هم به استخدام باربر نمی‌بینند. در این روزهای سخت کاری، شاید هفته‌ای یکی دو بار شانس در خانه‌اش را بزند و کاری به او پیشنهاد شود.

روزگار آدم‌های خسته

در طول بلوار بلند، گله به گله به انتظار نشسته‌اند. یک نیش ترمز مساوی است با راه افتادن به سمت اتومبیل. خودرو که دوباره حرکت می‌کند، می‌دوند به دنبالش، آه کدشار و بچرسرت‌شان را هم بدرقه خودرو می‌کنند. برخی کارگرها، استانبولی گچی، کلنگ و حتی متر هم با خودشان دارند. وسایل کارشان را هم گذاشته‌اند کنار دست‌شان. تراکم در این نقطه از بلوار بیشتر است. از کارگر ۱۸ ساله تا پیرمرد ۶۵ ساله متقاضی کارند. کارگرهایی که حتی با دست و پای آسیب‌دیده یا آویزان از گردنشان دنبال یک لقمه نان‌اند. عمو رحیم صدایش می‌کنند. مرد تمام موهایش سفید است و رنگ و رویش هم زرد و بی‌حالی. هر از چندگاهی سرفه خشکی می‌کند. جای چند دندان درون دهانش خالی است. با نفسی که گاهی می‌آید و گاهی نمی‌آید، خس خس کنان می‌گوید: «۵۰ ماه سابقه جبهه دارم، جانیا ۳۰ درصد هستم و مشکل ریوی هم دارم. آخر عمری اما ببین کارم به کجا کشیده شده است؟» حرف عمو رحیم که تمام می‌شود، همه‌هم شروع می‌شود؛ هر کدام از کارگرها چیزی می‌گویند. یکی ۲۷ ساله و فوق‌دیپلم برق دارد و هفته پیش، توی یکی از گودال‌های بزرگ پروژه ساختمانی روبه‌روی بلوار افتاده است. راه که می‌رود، می‌لنگد. آبی، آستین بلوز لکه‌لکه‌اش را بالا می‌زند و ساعدی که پیچ‌خورده را نشان می‌دهد. مرد میان‌سالی هم از انگشت کج شده‌اش رونمایی می‌کند. آسیب‌هایی که همگی در زمان کار اتفاق افتاده و البته به خاطر بیمه نداشتن، نه خودشان و نه صاحب کارشان، به فکر دو و درمان نبوده‌اند. مرد جوانی عصبانی با لهجه ترکی، پیرمرد لاغر، نحیف و خمیده و آفتاب‌سوخته‌ای را نشان می‌دهد و می‌گوید: «عمو نبی، امروز یک ساعت و نیم از انتهای شماره دو، پیاده آمده اینجا... می‌دانی چرا؟ چون دیروز کار نکرده و پولی برای کرایه خودرو نداشته است.»



یادداشت:

اولیا علی‌بیگی

فعال کارگری

بی‌عدالتی در توزیع

سهام عدالت

آن زمان که قرار شد، سهام عدالت به مردم داده شود، مجلس شورای اسلامی تصویب کرده بود که این سهام به دهک پایین جامعه، افرادی که تحت پوشش کمیته اماداند و کارگران تعلق گیرد. اما سهمی که قرار بود با نام عدالت، اجراکننده عدالت در جامعه باشد، خود به بی‌عدالتی دامن زد. امروز کدام کارگر، سهام عدالت دارد؟ قانونی که قرار بود اجرایی شود، اما در اوج بی‌عدالتی به شکل دیگری اجرا شد. کارگران انتظار دارند این سهام، به اقشار ضعیف جامعه تخصیص داده شود. دولتمردان باید در این مورد کاری کنند. یکی از تبعاتی که ویروس کرونا برای کارگران داشته، بیکاری بوده است. برای این مهم، دولت و شرکت‌های بیمه‌ای کارهایی انجام داده‌اند. کارهایی که شاید برای همه جامعه کارگری مناسب نباشد. از جمله این که قرار شد سازمان تامین اجتماعی، به کارگرانی که در زمان کرونا بیکار شده‌اند، حقوق بیکاری بدهد؛ این قانون اما همه جامعه کارگری را شامل نمی‌شود. کسانی که حق بیمه‌ای پرداخت نکرده‌اند، نمی‌توانند از این قانون استفاده کنند. این قانون برای کسانی که حق بیمه ۲۷ درصدی هم پرداخت می‌کنند، اجرایی‌شود، چرا که ۳ درصد این حق بیمه، مخصوص حقوق بیکاری است. کارگرانی می‌توانند از حقوق بیکاری استفاده کنند که حق بیمه ۳۰ درصد پرداخت کرده‌اند. اتفاقی که برای جامعه کارگری، زیاد هم خوشایند نبود، زیرا بسیاری از کارگران حق بیمه ۲۷ درصدی پرداخت کرده بودند و در شرایطی که بیکاری اجباری سراغشان آمده بود، نتوانستند از این حقوق بیکاری استفاده کنند. البته بخشی از تدابیر اندیشیده شده درباره صدمات ویروس کرونا به جامعه کارگری، وام یک میلیون تومانی بود. هر کسی می‌توانست از وام یک میلیونی که دولت برای افشار کم‌درآمد جامعه در نظر گرفته بود، استفاده کند؛ موضوعی که البته در حال‌های از ابهام است. کسی که بیکار است و درآمد ندارد، چطور می‌تواند اقساط وام خود را بپردازد؟ در این زمینه دولت و مجلس شورای اسلامی حتما باید کاری انجام دهند. شاید بتوان با تهیه بسته‌های حمایتی ویژه اقشار کم‌درآمد، مرهمی بر درد جامعه کارگری گذاشت.

یکی دیگر از مسائل مهم جامعه کارگری، عملکرد نامناسب شرکت‌هایی است که کارگران را به کسب و کارها معرفی می‌کنند؛ شرکت‌هایی که شاید عنوان دلال یا واسطه بهترین کلمه برای توصیف نوع عملکردشان باشد و این روزها از مظلومیت جامعه کارگری سوءاستفاده می‌کنند. بنابراین بهتر است مجلس درباره ظهور، وجود و زندگی این شرکت‌ها اقداماتی موثر انجام دهد. مجلس جدید، با نام عدالت و با شعار انقلابی بودن، کار خود را شروع کرده، وقت آن است این شعار را به مرحله اجرا درآورد و به مشکلات جامعه کارگری سر و سامانی دهد، چرا که بسیاری از مشکلات این قشر نادیده گرفته شده، به دولت باز می‌گردد و می‌توان با وضع قوانین مناسب این مشکلات را رفع کرد.